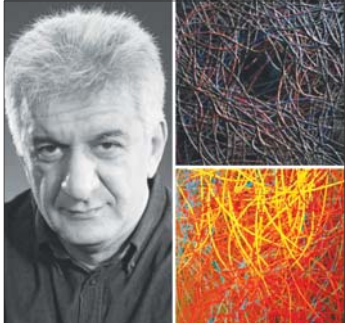


زیر درخت زیتون

برپایی نمایشگاه نریمان گرانمایه پس از ۳۷ سال



● «نریمان گرانمایه» پس از ۳۷ سال، تازه‌ترین مجموعه نقاشی‌هایش را عصر جمعه ۱۹ دی ۱۳۹۹ در یک نمایشگاه انفرادی به تماشا گذاشت. «مدار آشفته»، عنوان نمایشگاه و جدیدترین سری آثار این هنرمند در آستانه ششمین دهه زندگی‌اش است، تأمل‌برانگیز خویش را در چند نمایشگاه گروهی شرکت به درازا می‌کشد. نریمان گرانمایه که متولد ۲۳ مهر ۱۳۴۰ تهران است، سال ۱۳۶۲ در نمایشگاه گروهی در انجمن فرهنگی ایران و ایتالیا شرکت کرد و آثارش در کتاب منتخب منتشر شد؛ او همان سال اولین نمایشگاه خود را در همین انجمن برپا کرد و تا سال ۱۳۷۰ نیز آثار تأمل‌برانگیز خویش را در چند نمایشگاه گروهی شرکت داد، اما بعدتر نقاشی‌هایش را در خلوت خود پنهان کرد و به کارگردانی و ساخت انیمیشن پرداخت و اتفاقاً به موفقیت‌های متعدد دست یافت؛ او از سال ۷۵ به مدیریت و کارگردانی در استودیوهای بامداد فیلم، سیمرخ فیلم و آنبوس فیلم مشغول بود و ساخت انیمیشن تصمیم سخت و مشارکت در پرتژه‌اش نمکی، بلنکی، کاکبلا، توم-نوم و... را در روزمه‌اش داراست. از آغاز دهه ۹۰ او برای کمک به هم‌وطن آسیب‌دیده در بلایای طبیعی در سلسله نمایشگاه‌های خیریه گالری مژده انتری هدیه و ارائه کرد و اکنون به دعوت گالری مژده، دومین نمایش انفرادی آثارش را با مجموعه بسیار شگرفی شده، «مدار آشفته» به تماشا می‌گذارد. ابعاد بسیار بزرگ برخی آثار نریمان گرانمایه سبب شده گالری مژده این نمایشگاه را در خیابان نیاروان، خیابان کاشانک، خیابان پورابتهاج، نبش کوچه لشکری، پلاک ۲ برآ کند. این نمایشگاه تا دوشنبه ۲۲ دی‌ماه از ساعت ۱۶ تا ۱۹ با رعایت تمامی شیوه‌نامه‌های بهداشتی ادامه خواهد داشت. در بیانیه معرفی نمایشگاه مدار آشفته نوشته شده است: «ما توسط دیگری دیده شده و او را می‌بینیم، او را درک می‌کنیم و او نیز تلاش در درک ما دارد، بنابراین دیگری هستی ماست و با دیگری‌بودن سرشت و هستی سوزه زن‌مانند و مکان‌مند را تشکیل می‌دهد. اما هر یک از ما به‌واسطه زیسته‌های خود درک و دریافت متفاوتی از بیرون و دیگری دارد و همین دریافت‌ها در پیوند ما با یکدیگر گاه سبب می‌شود معنا و شناخت به تعلیق درآید و این تعلیق خود زمینه‌ساز بروز افتراق و رخنه در مدارهای پیوسته ما می‌شود. این گسست سبب تعلیق شناخت و ارتباط با دیگری و حتی گسست از او و ایجاد مدارهایی آشفته می‌شود».

دیدزدن پیام‌های خصوصی مردم برای خلق اثر هنری

● ایژنا: یک عکاس آمریکایی با کنار هم قراردادن عکس‌هایی که بدون اجازه از پیام‌های خصوصی مردم در کوچه و خیابان گرفته بود، یک مجموعه هنری خلق و منتشر کرد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی شبکه خبری سی‌ان‌ان، قبل از شیوع کرونا و فاصله‌گذاری اجتماعی، اینکه در متروی شلوغ یا در صف به گوشی دیگران سرک بکشیم، کار راحت‌ی بود؛ یک کنج‌جاسی ساده در عین احساس گناه که اصول رعایت حریم خصوصی را زیر پا می‌گذارد و حامیان این مفهوم اجتماعی را به ستوه می‌آورد. حال جف مرملستاین، فوتوژورالیست (عکاس خبری) آمریکایی، با ایده‌گرفتن از این عادت آزرده‌نده، با کنار هم قراردادن عکس‌هایی که درذکی از روی گوشی موبایل مردم در خیابان گرفته، یک کتاب با عنوان NYC منتشر کرده است. مرملستاین پیش‌تر این عکس‌ها را با همین هشتگ در صفحه اینستاگرام خود به اشتراک گذاشته بود. این مجموعه گردآوری‌شده از مکالمات تأثیرگذار، خنده‌دار و گاهی بیهوده و بی‌هدف، تصویری از نحوه برقراری ارتباط میان مردمان دوران معاصر ارائه می‌دهد. این پروژه همچنین سؤالاتی را درباره حریم شخصی و عکاسی مطرح می‌کند؛ اگرچه هویت افرادی که پیامشان در عکس‌های این مجموعه وجود دارد، مشخص نیست، پیام‌هایی که ردوبدل شده‌اند گاه خیلی خصوصی هستند. این پیام‌ها به چند خط مکالمه ناشناس محدود شده‌اند اما اطلاعاتی که در همان چند خط ارائه شده، برای فهمیدن اینکه ماجرا از چه قرار است، کفایت می‌کند. برخی از این مکالمات خنتی و دوستانه هستند و برخی از آنها به‌شدت تأثیرگذار و ناراحت‌کننده؛ مثلاً در یکی از این‌کپی‌ها فردی از محبوبش عاجزانه می‌خواهد همین فردا شیمی‌درمانی را شروع کند. مرملستاین این پروژه را در سال ۲۰۱۸ میلادی آغاز کرد و در مجموع حدود هزار و ۲۰۰ عکس گرفت. وی درباره نحوه انتخاب نهایی پیام‌ها برای کتابش می‌گوید: «آنهاي را انتخاب کردم که به‌یادماندنی، مرموز یا مبهم، ماندگار و تأمل‌برانگیز بودند. این عکاس عکس‌برداری برای پروژه منحصربه‌فرد خود را با شیوع کرونا و اعلام مقررات فاصله‌گذاری اجتماعی در نیویورک متوقف کرد.

یکی از تعاریف سینما همین‌قدر ساده است: هنر روایت! آنکه چه چیز را می‌خواهی روایت کنی و آنچه می‌خواهی را چطور روایت می‌کنی، می‌شود متر و معیاری برای سنجش. مهم است که اندیشه و محتوا در فرمی مناسب به مخاطب ارائه شود تا بر روح و جانش اثر بگذارد. روح... جان...

در تاریخ هنر و ادب تا دلنات بخواجه پیرامون «روح» اثر تولید و تألیف شده است. اما گاهی هنرمندی پیدا می‌شود که با استفاده از تکنیک مناسب محدودیت‌ها را حذف و حرف را به شکلی تازه مطرح می‌کند. کمپانی دیزنی در اواخر سال ۲۰۲۰ از روایتی هنرمندانه در این رابطه رونمایی کرد: انیمیشن Soul. اگرچه اسم این اثر در سالیتهای فارسی‌زبان «روح» ترجمه شده اما به گمانم «جان» عنوانی برازن‌دتر باشد. پیت داکتر کارگردان کاربلدی در زمینه انیمیشن است. قبل‌تر Up و Inside Out و Monsters, Inc را از او دیده بودیم. اما این بار سراغ مفهومی بزرگ‌تر رفته است. او در اثر تحسین‌شده‌اش «Inside Out» درون انسان را کاوید و به چگونگی مواجهه انسان با زندگی پرداخت و این‌بار در «Soul»، به چرایی زندگی توجه کرده است. نیچه در حکمت شادان می‌گوید: «آنکه بر چرایی زندگی آگاه شود، با هر شکل از چگونگی‌اش همراه خواهد شد» .

خب حالا وقش است! این روح شماس‌ت که می‌خواهد پا به عالم امکان بگذارد. اما سؤال مهم این است: چرا؟ مگر در زندگی چه خبر است؟

این روزها به مدد کتاب‌های صوتی و یادکست‌ها و... سطح اطلاعات یا دست‌کم شنیده‌های ما درباره برخی کلمات بیشتر شده. تا حدی که بعضی واژه‌ها تبدیل به یک‌جور نمایش می‌شوند! از آن جمله «اگزیستانسیال» است. در روزهای اخیر عزیزانسی را دیدم که برای تحلیل این انیمیشن به



حمید فرید

بخشی از سرشت آدمی در «موسیقی» پیداست، موسیقی هر ملتی تجلی سیر تکاملی دقت، هوش، چگونگی مشاهده و استنباط و عواطف روحی آن ملت در طول تاریخ است. از نظری موسیقی هر قوم علاوه بر پرداختن به توصیف زندگی آن قوم، زبان دل، مظهر عواطف و احساسات لطیف موزن آنان نیز محسوب می‌شود. عوامل متعددی از جمله شرایط متنوع جغرافیایی، وقایع تاریخی، سنت، فرهنگ و باورهای جمعی هر ملت یا قوم بر موسیقی تأثیرگذار هستند. نگاهی به موسیقی دوران‌های مختلف نشان می‌دهد، به علاقه‌مندی یا عدم علاقه‌مندی مردمان و حاکمان آن رنگ‌های متفاوتی به خود گرفته و گاهی به یک دستگاه یا ردیف بیشتر پرداخته شده است و این نوع برخورد با موسیقی باعث افول یا ارتقای نوعی خاص موسیقی در آن دوره خاص شده است. از طرفی موسیقی محلی همواره به دور از این نظرات با عدم وابستگی به هیچ نهادی راه خود را پیموده است و با زندگی روزمره مردم حتی در دورافتاده‌ترین نواحی آمیخته‌گی دارد. در میان موسیقی‌های محلی این مرز بوم موسیقی کیلان دارای یکی از غنی‌ترین گنجینه‌های فرهنگ موسیقی است. این گنجینه غنی برخلاف سایر

نواحی ایران دارای وحدت سبک نیست، به این معنی است که نقاط مختلف این خطه چه از نظر تنوع آواز‌ها و چه از لحاظ خصوصیات ملودی و ریتم از سبک‌های متفاوتی برخوردارند و این تفاوت سبک بخصوص بین موسیقی مردم تالاش با موسیقی مناطق دیلمان و اسپیلی و سایر نواحی این استان به چشم می‌خورد. موسیقی نواحی این استان که تصویرگر زندگی مردمانی جنگل‌نشین و طبیعت‌گرد است و بیشتر در مایه‌های شور، دشتی و به‌ندرت در چهارگاه و شوشتری اجرا می‌شود. اما به گفته محمدرضا درویشی، «فرهنگ و موسیقی کیلان به سبب موقعیت جغرافیایی منطقه، آسیب‌های جبران‌ناپذیری متحمل شده و این ضایعه موجب شده است که امروزه هر سرتاسر استان کیلان فقط تعداد انگشت‌شماری از خوانندگان و نوازندگان اصیل و قدیمی باقی بمانند و بسیاری از سنت‌ها و آیین‌ها و نیز بسیاری از نغمه‌ها به دست فراموشی سپرده شوند». موسیقی کیلان از جنبه‌های گوناگون تحت تأثیر موسیقی اقوام هم‌جوار قرار گرفته است، حضور اقوامی مانند ترک‌ها، کردها، لر‌ها و مهاجران قفقازی در محدوده جغرافیایی کیلان بر گستره این تأثیر افزوده است؛ برای مثال موسیقی مردم دیلمان که یکی از ارکان موسیقی گیلکی است، خود متشکل از فرهنگ مردم کرد، تات و لر است که به این منطقه مهاجرت کرده‌اند و موسیقی آنها امروزه همان موسیقی دیلمانی و گیلکی است. در کیلان منظومه‌های آوازی زیادی وجود دارد که زرتکیس، هبیته، حیدرخان، ولی‌خان، ششوکتی، رعنا، صوری

هنر

نگاهی به انیمیشن soul

جان‌بخشیدن به زندگی

مهدی روزرخ



سراغ اگزیستانسیالیسم رفته‌اند و روان‌درمانسی اگزیستانسیال. اما آیا این نظریه فلسفی با رویکرد روان‌شناختی ابزار خوبی برای بررسی این اثر است؟ اگزیستانسیالیسم یا «اصالت وجود» یعنی تقدم وجود بر ماهیت. ساده آنکه اول هستی و بعد کم‌کم ماهیت پیدا می‌کنی. مثالش را خود سارتر در کتاب «اگزیستانسیالیسم و اصالت بشر» مطرح می‌کند. می‌گوید: چاقو ساخته شده که ببرد. تبر ساخته شده که قطع کند. اما انسان ساخته شده که...؟ جواب این سؤال بسته به نگرش و جهان‌بینی شما متفاوت است. اما از منظر سارتر هیچ ماهیت و لوح سفید و سرنوشته از پیش نوشته‌شده‌ای با ما زاده نمی‌شود. در الگوی اگزیستانسیالیستی انسان پس از زاده‌شدن و متأثر از شرایط گوناگون نسبت به خود و جهان آگاه شده و مسیری را پیش خواهد گرفت. شما به دنیا نمی‌آید که موسیقی‌دان یا فیلسوف بشوید. شما فقط زاده می‌شوید. چیزی که می‌شوید بعد از تولد رقم می‌خورد.

نگاهی به موسیقی–۱۹

و کاکوئنی از این جمله‌اند و با وجود متأخربودن‌شان، سنت‌های قدیمی نقل در آنها رعایت شده است. بعضی از منظومه‌ها، مثل عزیز و نکار و طالب‌ا، هم با تغییراتی در مایکی و برخی حالت‌ها، تحریرها و تزئینات نغمه، از موسیقی نواحی هم‌جوار برداشت شده‌اند. منظومه‌های قدیمی گیلکی بیشتر جنبه‌های ترازبک و غنایی دارند و نمونه‌های متاخری مثل حیدرخان و هبیته هم حماسی‌اند؛ اما همگی آشکارا بازتاب شیوه زندگی، نوع کار، روابط اجتماعی و آرزوهای مردمانی است که در کوهستان‌ها و جلگه‌ها روزگار گذرانده‌اند. یک ویژگی منحصربه‌فرد نقل‌های نسبتاً قدیمی‌تر گیلکی حضور گسترده طنز و هجو در آنهاست که در مناطق موسیقایی نواحی ایران کمتر دیده شده و در کنار موضوعات سنتی، مسائل سیاسی و اجتماعی هم در آنها مطرح می‌شوند. شاخص‌ترین سازهای کیلان درحال‌حاضر لُله (نی چوپانی)، نی‌لبک، سرنا، کرنا، نقاره و دایره است. گمانچه نیز تا چند دهه پیش از سازهای اصلی بود که دیگر منسوخ شده است. شماری از قطعات موسیقی آوازی به موسیقی سازی این ناحیه راه یافته‌اند، مانند اجرای غربتی با نی چوپانی، آوازهای شرف‌شاهی و آب‌کناری با نی چوپانی یا سرنا اما موسیقی سازی گیلکی قطعات مخصوص به خود نیز دارد که با نمونه‌های آوازی متفاوت‌اند. گروهی از قطعات را چوپانان با نی می‌نوازند و به موسیقی و زندگی چوپانی تعلق دارند، مثل گوسن منظومه‌های آوازی زیادی وجود دارد که زرتکیس، ولگه‌سُری، گروهی هم در مراسم‌ها، عروسی‌ها و

چندخطی درباره «روح»، آخرین انیمیشن بلند کمپانی دیزنی

ذن و روح حلول کرده در دیزنی

ماس‌ت یا در واقع بخش اصلی وجود ماس‌ت و بعد از مرگ هم مکانان وجود دارد. اما Ghost تنها پس از مرگ وجود دارد و از همین جهات به نظر روح تفاوت عمده‌ای با دیگر انیمیشن‌های پیشین دیزنی دارد که همین تفاوت‌ها عظمت انسانی و الهام‌بخش زیبایی را به آن بخشیده است. پیش از این‌ غالب انیمیشن‌های دیزنی، که به‌طور قطع عناصر الهام‌بخش، شالوده اساسی آنها را تشکیل داده‌اند بر هدف‌گرایی با مفهوم متداولی که همه با آن آشنا هستیم، جو تأکید داشته‌اند: موتیف‌هایی مانند رسیدن به خواسته‌ای که از کودکی در سر داشته‌ایم. مبارزه با دشمنانی که همیشه مانع بزرگی برای رسیدن به آرزوهایمان بوده‌اند و این دست سوزه‌های متداول. تا یک سوم پایانی انیمیشن روح تقریباً با همین مضمون تکراری مواجه هستیم. جو گاردنر معلم موسیقی سرخورده‌ای که تنها چند ساعت مانده به محقق‌شدن آرزوی دیرینه‌اش، یعنی اجرا در یک گروه موسیقی جَز، تقریباً می‌میرد! حالا تمامی تلاش او برای بازگشت به زندگی و وصل با هدف زندگی‌اش است و پس از تلاشی‌های بسیاری که برای بازگشت به زندگی

گشتی در جهان هنر

«هالیوود» به یورش حامیان ترامپ به کنگره واکنش نشان داد

● هالیوود و بیشتر مردم آمریکا با نفرت و شوک نظاره‌گر حامیان دونالد ترامپ هستند که در اعتراض به جلسه کنگره برای تأیید نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ به ساختمان کنگره حمله بردند.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از وریایتی، اعضای یک گروه هوادار ترامپ که برخی‌شان لباس ضدیورش به تن داشتند، وارد ساختمان‌های کنگره شدند و نمایندگان کنگره را وادار کردند تا با وحشت زیر میزهایشان پنهان شوند.

مانند بسیاری از افرادی که از نزدیک در حال مشاهده اخبار در سراسر آمریکا هستند، اعضای صنعت سرگرمی نیز به این عمل واکنش نشان دادند و خشم خود را نسبت به این قانون‌گریزان و آشوبگران در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشتند.

درهمین‌حال بیشتر اعضای صنعت فیلم و سرگرمی خود ترامپ و جمهوری‌خواهان را مسئول این وضعیت دانستند و توییت‌های او را مسئول تهییج مردم خواندند.

جیمز منگولود، کارگردان «ولورین» و «راه‌فتن روی خط»، با درخواست برای بایکوت کامل شبکه فاکس‌نیوز از طریق تحریم دادن تبلیغات سینمایی و آگهی‌های تلویزیونی به این شبکه نوشت: با دیدن این بی‌قانونی در ساختمان کنگره – بی‌شرف‌هایی که از کودتا حمایت می‌کنند – به‌شدت غمگین می‌شوم. مرداک‌ها تبعیض نژادی، تبعیض جنسیتی، دروغ‌های تلخ و صدمات زیادی به کشور ما زده‌اند. همکاران فیلم‌ساز، ما باید فاکس را تحریم کنیم و از قدرتمان استفاده کنیم تا تبلیغات فیلم‌هایمان در فاکس پخش نشود. جیمز گان کارگردان نوشت: خب، ترامپ الان یک چیز توییت کرد که خوب است. او باید منتظر می‌ماند تا هوادارانش پلیس را عقب می‌رانند و وارد کنگره می‌شوند؟

مارک رافلو بازیگر نیز نوشت: تصور کنید اگر چنین کاری از حامیان این‌ طرف صورت می‌گرفت، حتما خون ما روی زمین ریخته شده بود و یک نفر از ما هم تازه مسلح نبودیم. اما به آنها اجازه داده‌اند این کار را بکنند.

وی در توییت دیگری افزود: این به معنی تلاش برای کودتا از سوی ترامپ و شرکای جرم وی است. همه تقصیر ترامپ و کابینه اوست.



کریس اوانز، بازیگر نقش «کاپیتان آمریکا» در فیلم‌های مارول هم به مقایسه رفتار پلیس با شورشگران در کنگره و اعتراض‌کنندگان صلح‌آمیز مردم ضد ترامپ در سال ۲۰۲۰ پرداخت و نوشت: افراد بسیاری مسبب این وضع هستند.

آرمنی هم نوشت: چه خوب که این اعتراض‌ها به جنبش «جان سیاهان مهم است» ربطی ندارد، وگرنه این اشغال‌ها پلیس ضد شورش را وسط آورده بودند. متیو ای، چری هم نوشت: اگر ما مسبب این وضعیت بودیم، یک بمب روی سرمان انداخته بودند.

جاش گند نوشت: این‌ پا به معنی نادیده‌گرفتن پلیس کنگره است یا تمایل به همدستی برای این هرج‌ومرج. در هر صورت نمی‌توان این را توجیه کرد. انکار هیچ مشکلی ندارد که توریت‌های واقعی را آماده کنید. ساشا بارون کوهن، بازیگر هم با انتقاد از مارک زاکربرگ خواستار ممنوع‌کردن نوشته‌های ترامپ در توییت و یوتیوب شد. شمار زیادی از هالیوودی‌ها هم مستقیم ترامپ را مسبب این وضعیت خواندند و گفتند او آتش‌بیار این معرکه شده است. ریچل مدو، مجری تاک‌شو، نوشت: باز هم از نظم و قانون برای من بگو. کلویی گریس مورتس نوشت: آتش بیار این وضع تویی. جان کرایر، بازیگر نوشت: استیضاحش کنید. عزلش کنید. بازداشتش کنید. دان ویلسون نوشت: این یک شکست عظیم برای سرویس امنیت، شهودا و واشنگتن و پلیس این شهر است. اگر این اتفاق امروز می‌افتد، فکر می‌کنید در روز تحلیف چه اتفاقی بیفتد؟ بردلی ویتفورد، بازیگر «برو بیرون» هم نوشت: ای خان لعنتی. ریان ویلسون هم نوشت: کنگره کشور ما زیر حمله توریت‌هاست.